

رمزگشایی از فلسفه دعا

## سجاده نیایش

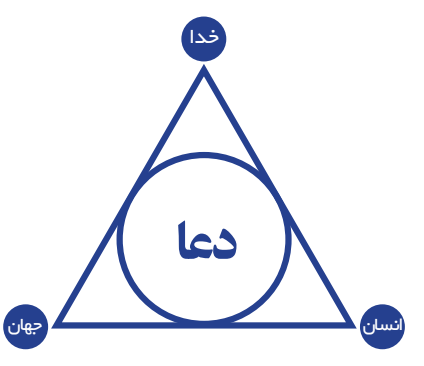
**دکتر مهربادق‌نیا**

دکترای جامعه‌شناسی فرهنگ و هیات علمی دانشگاه ادیان و مذاهب

۱ دعا و نیایش بخشی جدایی‌ناپذیر از حیات معنوی فرد مؤمن است و نقشی حیاتی در رشد شخصیت روحانی او دارد. نیایش صرفاً خواهش و تمنای انسان از خدا نیست؛ بلکه در حقیقت روایتگر رابطه انسان و خدا و نیز شناختی است که ادیان از خدا به‌دست می‌دهند. بر این اساس، دعا را باید انعکاس الهیات ادیان و آموزه‌های آنها درباره رابطه خدا و انسان دانست.

یکی از مصادیق عینی شدن ایمان در ادیان، دعا و نیایش است. از سوی دیگر، دعا بخش مهمی از رفتار دینی مؤمنان ادیان است. آنان اغلب به انجام‌دادن نیایش‌های روزانه خاص دعوت می‌شوند و بر رابطه خود با خدا تأکید می‌کنند. اگر مهم‌ترین هدف آفرینش انسان را ارتباط با خدا بدانیم، دعا فرصتی برای این ارتباط است و به این هدف تحقق می‌بخشد. قرآن بهترین آموزنده ودقیق‌ترین راهنما با زیباترین اسلوب است و جامع‌ترین دعاها را بیان کرده است؛ هدفی فراتر از نیازخواهی در بطن خود به همراه دارد، و اهتمام قرآن مجید به دعا، جلوه‌های گوناگونی دارد، تا آنجا که در آیه انتهایی سوره فرقان می‌فرماید: «بگو پروردگارم به‌شما اعتنایی ندارد اگر دعای شما نباشد». از همین آیه نقش دعا در رابطه بین انسان و خدا روشن می‌شود. گویا اعتنای خداوند به بنده خویش فقط بواسطه دعاکردن است و اگر انسان دست نیاز به سوی درگاه بی‌نیاز دراز کند مقتضی لطف و کرم او می‌شود.

۲ هم اقدام به دعاکردن و هم محتوای دعاها بیانگر ایمان و اعتقادات فرد است. اقدام کردن به دعا، برخاسته از مفاهیم الهیاتی است. شخصی که دست به دعا برمی‌دارد در واقع ناتوانی خود را تصدیق می‌کند و به شناختی از خود، آگاهی پیدا کرده است، چنانکه فردی ضعیف و ناتوان است و نمی‌تواند همه نیازهای خود را با تکیه بر توانایی خویش انجام دهد. از سوی دیگر، فرد با مشاهده رویدادها و وقایع جهان و علت و معلول آن‌ای، مسبب‌الاسباب و علت‌العلل وقایع هستی را خدا می‌داند و از این‌رواست که دست به دعا برمی‌دارد تا با مسبب همه امور ارتباط برقرار کند؛ چراکه معتقد است دستگاه آفرینش با همه عظمت و نظمی که دارد، در دست قدرت خداوند است و شخص می‌تواند با دعا، نیازهای خود را بخواهد. کسی که دعا می‌کند خدا را فرمانروای مطلق هستی و قوانین طبیعی می‌داند، چنانچه اگر این اعتقاد را نداشته باشد دعا هم نمی‌کند. به عبارت دقیق‌تر، شناخت انسان از «خود»، «جهان» و «خدا» در مضامین دعایی منعکس و بازسازی می‌شود.



دعا در این معنا یکی از عناصر اساسی و ذاتی تمام ادیان و از بنیادی‌ترین و مهم‌ترین مشخصات آنها است که کارکردهای بسیار دارد. در همه سنخ‌های دینی، انسان‌ها به وسیله دعا خود را به قدسی‌ترین و مجوری‌ترین کانون دینداری، یعنی خدا، نزدیک می‌کنند. به این دلیل است که می‌توان دعا را وسیله نزدیک‌شدن و ارتباط با خدا دانست؛ چراکه اگر این ارتباط از میان برداشته شود هیچ راهی برای پیوند این جهان و جهان جاودانی نیست (زویمر، ۱۳۸۷: ۴۱۵). پیوژه هنگامی که جهان مادی بشر با آفرینشی تبیین می‌شود که منجر به گسستگی یا جدایی از جهان الهوی یا مجرد می‌شود، دعا ابزاری است که بواسطه آن، این گسست حتی برای یک لحظه از میان برداشته می‌شود (بخشنده، ۱۳۸۶: ۶۷)؛ و زندگی مادی آدمی معنایی عمیق، الهی و پایا می‌گیرد.

۳ از سوی دیگر، دعا به معنای تجدید باورداشت‌ها و بازسازی تجربه‌های ناب عرفانی است. دین با همین تجربه‌ها، رز داده شده و تازه و ناب می‌ماند: «دعا آینه‌ای است که در آن احوال و احساسات و تجارب دینی و عرفانی مجال نمود و بروز می‌یابند؛ تا آنجا که می‌توان گفت دین بدون دعا، دین نیست» (اکرمی، ۱۳۸۷: ۶۱).

روح زمینگیرشده انسان با دعا دارای تجربه‌های عرفانی ناب‌تری شده و خصلت‌های معنوی و آسمانی می‌یابد. ایزوتسو دعا را این‌گونه تعریف می‌کند: «دعا ارتباطی شفاهی در جهت صعودی از انسان به خدا است، حال آنکه وحی ارتباطی شفاهی در جهت نزولی از خدا به انسان است» (ایزوتسو، ۱۳۸۱: ۲۴۸).

از دیدگاه ایزوتسو، دعا صمیمانه‌ترین محاوره شخصی قلب با خدا است و واکنشی بروحی الهی و تصدیق آن و همچنین بیانگر ایمان به او است (ایزوتسو، ۱۳۸۱: ۲۴۸)



«نیایش صرفاً خواهش و تمنای انسان از خدا نیست؛ دعا چیزی فراتر از «خواستن» است و ماهیت آن «گفت‌وگو» است. در حقیقت، دعا راویترگر رابطه انسان و خدا و نیز شناختی است که ادیان از خدا به دست می‌دهند. از دیدگاه ایزوتسو، دعا صمیمانه‌ترین محاوره شخصی قلب با خدا است و واکنشی بروحی الهی و تصدیق آن و همچنین بیانگر ایمان به او است

و ۲۴۹ و ۲۵۰). دگرگونی مفهوم خداپرستی در ادیان به توجه عمیق‌تر به دعا انجامید. ادیان دعا را ابزاری برای ارتباط با خدا شمرده‌اند؛ خدایی که متشخص است، اراده دارد و خیرخواهانه دستور می‌دهد و اطاعت را طلب می‌کند و منتظر دریافت درخواست‌ها و نیایش‌ها است و از گفت‌وگو با بنده خویش خشنود می‌شود. در این ادیان، خدا منبع خیر و نیکی تلقی می‌شود و ابزاری برای رسیدن بر رستگاری است؛ چراکه ما بدون دعا نمی‌توانیم در برابر وسوسه‌ها و فریب‌ها پابداری کنیم و فیض الهی را به‌دست آوریم؛ به گونه‌ای که این ضرورت در همه مراحل زندگی احساس می‌شود. خصوصاً اینکه دعاکردن تکلیف است و بیانگر تقوا و پرهیزکاری است (Hrbermann, ۱۹۱۳, v. ۱۲, p. ۲۴۷). بر این اساس است که «دعا» را نمی‌توان از «دین» تفکیک کرد. نخستین جلوه‌ها و تجلیات دینداری بشر، خود را در دعا نشان داده است. این واقعیت را از توجه عمیق مقدس ادیان و منابع دینی آنها نیز می‌توان فهمید. بخش وسیعی از ادبیات همه ادیان به آداب دعا و مناجات و نیز درون‌مایه‌های بایسته دعا اختصاص یافته است. با توجه به این نکته که ادیان، دعا را جزو ضروری حیات معنوی و موقعیت بشری می‌دانند.

۴ توجه به معنای لغوی دعا نیز بیانگر این نکته است که دعا چیزی فراتر از «خواستن» است و ماهیت آن «گفت‌وگو» است، تا جایی که می‌توان گفت مهم‌ترین کارکرد دعا در اسلام و مسیحیت تغییر رابطه انسان و خدا از پیوند خشک و سرد کلامی و فلسفی به رابطه‌ای صمیمانه و عاطفی است. برای تبیین حقیقت ارتباط بین خدا و انسان می‌توان از نظریه ارتباطی بوبر استفاده کرد. وی دو نوع ارتباط را معرفی می‌کند: ارتباط «من – تو» که ارتباطی شخص‌وار است و ارتباط «من – آن» که ارتباطی ناشخص‌وار است. از دیدگاه بوبر، ارتباط «من – تو» متقابل، دوسویه، متقارن و بی‌واسطه است و شناخت در این نوع ارتباط، مستقیم و بلاواسطه است. من وارد ارتباط مستقیمی با تو می‌شوم و این ارتباط بی‌واسطه است و هیچ مفهومی میان من و تو واسطه نمی‌شود. بنابراین از دیدگاه بوبر، خدا آن «تویی» است که هیچگاه نمی‌تواند به «آن» تبدیل شود. از این‌رو از دیدگاه وی، واژگان فقط نقش اشارات نارسایی را بازی می‌کنند که به وصف‌ناپذیری خداوند معطوف است. خداوند نمی‌تواند اصطلاحی عقیدتی، مفهومی مابعدالطبیعی یا اشاره‌ای آیینی باشد. (بوبر، مارتین، ۱۳۸۰، ص ۹-۱۲)

از این‌رو در دعا انسان، خود، خویشتن است و اتکای خویشتن را آزادانه آشکار می‌سازد. ارتباط موفق با خداوند باید از نوع ارتباط من و تویی باشد، همانگونه که مارتین بوبر این ارتباط را بخوبی شرح می‌دهد و ماهیت دعا همین ارتباط و گفت‌وگو با خداوند است و اگر این ارتباط صرف به زبان آوردن واژگانی بی‌روح نباشد و مواجهه و ارتباطی پویا و متقابل را در برگیرد این گفت‌وگو به‌درستی صورت گرفته است. نمودار زیر این گفت‌وگو و لوازم آن را بخوبی نشان می‌دهد. (بوبر، مارتین، ۱۳۸۶، ص ۱۲۳)

منابع در دفتر روزنامه موجود است

آموزه‌های «زیست ابراهیمی» برای انسان امروز

# تعبد و تقرب الهی

فلسفه عید قربان «سر بریدن» نیست «دل بریدن» است!

**دکتر عبدالحسین خسروپناه**  
استاد فلسفه

حضرت ابراهیم(ع) در تاریخ ادیان همواره به‌عنوان یک شخصیت بی‌نظیر شناخته می‌شود؛ ایشان علاوه بر بهره‌مندی از «مقام نبوت» به «مقام امامت» نیز نائل آمدند و همچنین در معرض آزمون‌های بسیار سخت و دشوار قرار گرفتند. از این‌رو، می‌توان از سیر تکاملی حضرت ابراهیم(ع)، بر اساس ابتلاها و امتحان‌های الهی به‌عنوان یک الگوی تربیتی استفاده کرد. یکی از آیاتی که خداوند سبحان در سوره حضرت ابراهیم(ع) عنوان می‌کند، آیه ۱۲۴سوره بقره است: «و(به یاد آر) هنگامی که خدا ابراهیم را به اموری امتحان فرمود و او همه را به جای آورد، خدا به او گفت: من تو را به پیشوایی خلق برگزینم، ابراهیم(ع) عرض کرد: به فرزندان من چه؟ فرمود: اگر شایسته باشند، می‌دهم (به پیشوایی خلق بر می‌گزینم)، زیرا عهد من به مردم ستمکار نخواهد رسید.» این آیه شریفه نشان می‌دهد حضرت ابراهیم(ع) با ابتلاها و امتحان‌های فراوان از «مقام نبوت» به «مقام امامت» نائل آمده‌اند. واقعیت این است که مقام امامت مقامی بالاتر از نبوت است. در مقام نبوت، نبی، در مقام انسان کامل، وحی را از خداوند دریافت و آن را به مردم ابلاغ می‌کند؛ به تعبیری هدایت‌گری، تبشیر و انداز می‌کند اما مقام امامت، مقام پیشوایی، رهبری و حکومتداری است که شرط حکومتداری و رسیدن به مقام امامت نیز بهره‌مندی از مقام عصمت و معصومیت است. فلسفه عید قربان «سر بریدن» نیست «دل بریدن» است؛ دل بریدن از هر آنچه که ما را از تعبد و تقرب الهی دور می‌کند. آنچه خوانش «سلوک ابراهیمی» را ضرورت می‌بخشد و آن را به یک الگوی تربیتی بدل می‌کند، به این قرار است:

### ۱ بندگی و ثمرات معنویت

از نکات درس آموز سلوک حضرت ابراهیم(ع) قربانی کردن حضرت اسماعیل(ع) است که از سنگین‌ترین آزمون‌های الهی برای حضر ت ابراهیم(ع) به شمار می‌رود و به دنبال این آزمایش دشوار بود که ایشان به مقام امامت نائل آمدند. ماجرای قربانی کردن حضرت اسماعیل، در بین متفکران مناقشات بسیاری را به دنبال داشته است؛ سورن کی‌یرگارد، فیلسوف دانمارکی قرن نوزدهم و مؤسس فلسفه اگزیستانسیالیسم، از جمله متفکرانی است که به ماجرای قربانی کردن حضرت اسماعیل(ع) پرداخته است و در کتاب «ترس و لرز» خود تفسیر خاصی از این ماجرا ارائه می‌کند. او، انسان‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند: نخست انسان‌هایی که زندگی سوداگرانه‌ای دارند و تنها به دنبال منافع شخصی‌شان هستند. دسته دوم، انسان‌هایی که زیست اخلاقی دارند و پیوسته به دنبال کسب فضایل اخلاقی و دوری از زوایل هستند. دسته سوم انسان‌هایی هستند که زیست عاشقانه دارند؛ این انسان‌ها برای خداوند سبحان هر کاری می‌کنند حتی اگر درخواست خداوند برای درک و فهم انسان نامعقول به‌نظر آید.

کی‌یرگارد، حضرت ابراهیم(ع) را مصداق دسته سوم معرفی می‌کند که خواست خداوند مبنی بر قربانی کردن فرزندش را پذیرفت. بر زعم کی‌یرگارد، دستور به ذبح اسماعیل، هر چند که در ظاهر دستوری اخلاقی به نظر نمی‌رسید اما عشق حضرت ابراهیم(ع) به حق تعالی او را به انجام این دستور واداشت هر چند که در عمل این دستور تحقق پیدا نکرد.

ولی در ادبیات دینی ما تفسیر دیگری از ماجرای قربانی شدن حضرت اسماعیل(ع) داریم و آن این که ماجرا از ابتدا امتحان الهی بود. اوامر الهی دو دسته هستند: برخی اوامر امتحانی، یعنی خداوند قصد تحقق «مأمور به» نکرده است بیشتر به دنبال آزمون مأمور است، اما برخی دیگر امتحانی نبوده و «مأمور به» را از مأمور می‌خواهد. خداوند در ماجرای قربانی کردن اسماعیل می‌خواست زمینه رشد و ترقی و تقرب بیشتر آنان را محقق کند.

اما فارغ از مناقشاتی که در باب ماجرای قربانی شدن حضرت اسماعیل(ع) وجود دارد، رهاورد این تصمیم و زیست ابراهیمی برای انسان امروز، «بندگی» است؛ بندگی که زمینه رشد معنوی و تقرب الهی هر چه بیشتر انسان امروز را رقم می‌زند؛ انسانی که این روزها از درد تهی‌شدگی از معنارنج می‌برد.

### ۲ تعبد و معنویت

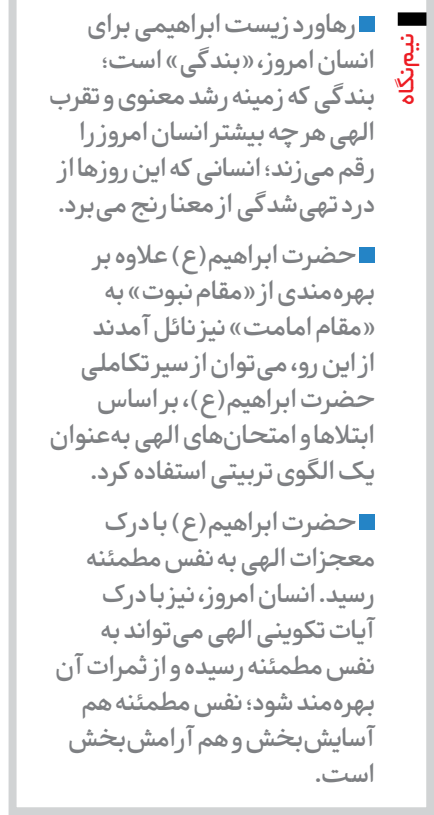
خداوند سبحان، پس از آنکه خانه کعبه را در مقدس‌ترین مکان کره‌زمین مقرر کردند، به حضرت ابرهیم(ع) دستور دادند تا کعبه را به‌عنوان جایگاهی برای نماز، طواف، اعتکاف، رکوع و سجود بنا کنند. در این راستا، پروردگار در آیه ۱۲۵ سوره بقره می‌فرماید:

«و(به یاد آر) هنگامی که ما خانه کعبه را مرجع امر دین خلق و مقام امن مقرر داشتیم و (دستور داده شد که) مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که حرم مرا (از بت) بپزدازید و پاکیزه دارید برای اهل ایمان که به طواف و اعتکاف حرم آیند و در آن نماز و طاعت خدا به جای آرند.»

خداوند سبحان در این آیه شریفه بخوبی نشان می‌دهد که کعبه مکان امن و امنیت، تعبد و بندگی خداوند است و انسان‌ها از طریق بندگی خداوند، طهارت باطنی می‌یابند. یکی از مهم‌ترین نیازها و خلاها در دنیای امروز، نیاز به «معنویت» است. اگر معنویت در جهان گسترش پیدا کند امنیت و ایستایی فیزیولوژیکی هم تأمین می‌شود. از پیامدهای فقدان معنویت، رواج چرخه فساد در جوامع است؛ برای مثال، امروزه مراکزی تولید انگل و قاچ‌های کشاورزی را در دستور کار

خود قرار داده‌اند تا به کشاورزان آسیب بزنند، هدف این مراکز از تولید این انگل‌ها، ایجاد بازاری برای فروش سمومی است که می‌تواند این انگل‌ها را از بین ببرد. غافل از اینکه این سموم باعث بروز سرطان‌هایی همچون سرطان روده، معده، کبد و... می‌شوند. بروز این بیماری‌ها بازار جدید دیگری را برای همین مراکز فراهم می‌کند تا اینبار به تولید داروهایی برای درمان بیماری‌ها بپردازند.

واقعیت این است که منشأ این زنجیره فساد و ناامنی در حوزه سلامت، فقدان معنویت است. شاید دنیای مدرن در برخی پارامترهای رفاهی و تکنولوژیکی پیشرفت‌ها و موفقیت‌هایی خود را در داده‌اند تا به کشاورزان آسیب بزنند، هدف این مراکز از تولید این انگل‌ها، ایجاد بازاری برای فروش سمومی است که می‌تواند این انگل‌ها را از بین ببرد. غافل از اینکه این سموم باعث بروز سرطان‌هایی همچون سرطان روده، معده، کبد و... می‌شوند. بروز این بیماری‌ها بازار جدید دیگری را برای همین مراکز فراهم می‌کند تا اینبار به تولید داروهایی برای درمان بیماری‌ها بپردازند.



کسب کرده باشد اما در پس این رفاه ظاهری و سوداگری، آسایش و آرامش انسان مدرن به محاق رفته است. در این راستا، خداوند سبحان در آیه ۱۲۶ سوره بقره می‌فرماید: «و(به یاد آر) هنگامی که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا، این شهر را محل امن و آسایش قرار ده و اهلش را که به خدا و روز قیامت ایمان آورده‌اند از انواع رذیله‌ها بهره‌مند ساز. خدا فرمود: و هر که (با وجود این نعمت) سیاس نگذارد و راه گفر پیماید گرچه در دنیا او را اندکی بهره‌مند کنم،



لیکن در آخرت ناچار معذب به آتش دوزخ گردانم که بد منزلگاهی است.»

### ۳ بهره‌مندی از ثمرات نفس مطمئنه

خداوند سبحان همچنین، معجزاتی بر حضرت ابراهیم(ع) نازل کردند؛ از آن جمله می‌توان به چگونه زنده شدن مردگان اشاره کرد. البته این معجزه به درخواست خود حضرت ابراهیم(ع) صورت گرفت تا اطمینان قلبی پیدا کرده و نفس مطمئنه بیابد. در آیه ۲۶۰ سوره بقره آمده است: «و(یاد کن) آنگاه که ابراهیم گفت: پروردگارا، به من نشان ده؛ چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟ فرمود: مگر ایمان نیاورده‌ای؟ گفت: چرا، ولی تا دلم آرامش یابد. فرمود: پس، چهار پرندۀ برگبر و آنها را ریش خود قطعه قطعه کن سپس بر هر کوهی پاره‌ای از آنها را قرار ده، آنگاه آنها را فرا خوان، شتابان به سوی تو می‌آیند و بدان که خداوند توانا و حکیم است.» حضرت ابراهیم(ع) با درک معجزات الهی به نفس مطمئنه رسید. انسان امروز، نیز با درک آیات تکوینی الهی می‌تواند به نفس مطمئنه رسیده و از ثمرات آن بهره ببرد. آیات تکوینی همه بیانگر عظمت و حکمت الهی است کسی که عظمت و حکمت الهی را دریابد به نفس مطمئنه می‌رسد و نفس مطمئنه هم آسایش بخش و هم آرامش بخش است.

### ۴ ایستادگی و مقاومت

درس دیگری که از زیست ابراهیمی می‌توان گرفت، به شیوه مواجهه حضرت ابراهیم(ع) با نمردو برمی‌گردد. حضرت ابراهیم(ع) حتی وقتی که او را در آتش انداختند با دست خالی در برابر نمردو با آن همه قدرت ایستادگی، جهاد و مقاومت کرد و در نهایت بر او غالب شد. قرآن کریم در آیه ۶۹ سوره انبیاء می‌فرماید:

«اگر انسانی با ایمان باشد و زندگی جهادی همراه با مقاومت داشته باشد، می‌تواند به پیروزی برسد و در برابر استکبار بایستد و بر آن غلبه پیدا کند. این درس بزرگی است که می‌توان از زیست ابراهیم(ع) گرفت.»

### ۵ بهره‌مندی توانان از عقل و وحی

حضر ت ابراهیم(ع) از باب جدل به جامعه زمان خود نشان داد که مایه‌پرستی، ستاره‌پرستی و... به تعبیر دیگر حس‌پرستی کاری عبث و نادرست است.

در دنیای امروز برخی همچون پوزیتیویست‌ها، جز به حس و تجربه باور ندارند و این باورمندی به حس و تجربه آنان را از ایمان به خداوند بازداشته است. این در حالی است که حس و تجربه برای سعادت بشر کافی نیست و برای درک امور باید از عقل و وحی هم بهره گرفت. خداوند در آیه ۵۴ سوره نساء، درباره حضرت ابراهیم(ع) می‌فرماید:

«(بلکه حسد می‌ورزند با مردم (یعنی پیامبر و مسلمین) چون آنان را خدا، به فضل خود برخوردار نمود. که البته ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنان ملک و سلطنتی بزرگ عطا کردیم.» بر اساس این آیه، اگر جامعه‌ای می‌کوشد به تمدن برسد، باید تمسک به دو امر را در دستور کار خود قرار دهد: نخست، کتاب که منشأ آن وحی الهی است و دوم، حکمت که منشأ آن عقل سلیم است. در دنیای مدرن گروهی به عقلانیت و Rationality تمسک جسته‌اند و معنویت و وحی را کنار گذاشته‌اند، از طرفی برخی دیگر تنها بر معنویت و وحی تأکید دارند و عقلانیت را کنار نهاده‌اند. آیه ۵۴ سوره نساء، به نقد هر دو دسته می‌پردازد.

همانطور که پیشتر گفته شد، زیست حضرت ابراهیم(ع) به‌خاطر ابتلاها و آزمون‌های بسیار، زیست و سلوکی کم‌نظیر است. از این‌رو، خوانش و تأمل در زیست ایشان می‌تواند برای انسان امروز واجد معانی بسیار بوده و الگوی تربیتی ارزشمندی را در برابر ما قرار دهد.